

تاریخ مختصر اندیشه

راهنمای فلسفه زندگی

نوشته

لوک فری

ترجمه

محمد حسین رفا



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه: فری، لوک، ۱۹۵۱ - م.
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مختصر اندیشه: راهنمای فلسفه زندگی / نوشته لوک فری؛ ترجمه محمد حسین وقار
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۲۲۷ ص.
 شابک: 978-964-423-942-7
 وضعیت درست فیزی: فیفا
 یادداشت: عنوان اصلی: A Brief History of thought; A Philosophical guide to Living
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۱
 یادداشت: نمایه
 عنوان دیگر: روی فلسفه زندگی
 موضوع: مقدمات
 موضوع: فلسفه
 شناسه افزوده: مترجم، ۱۳۳۰ -
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ - بیت ۴ / ص ۲۱ / BD
 رده بندی دیویی: ۱۰۰
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۴۵۹۵۰



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۱۱۵۳۱۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵-۶
 فروشگاه مرکزی: تهران، بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۲۴

تاریخ مختصر اندیشه: راهنمای فلسفه زندگی

نوشته لوک فری ترجمه محمد حسین وقار

حروف نگار: مهبالادات شریعتی
 طراحی جلد: رضا گنجی
 صفحه آرا: رحیم رمشانی
 حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۹۳ شماره گان: ۱۰۵۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۹۴۲-۷ ISBN: 978-964-423-942-7

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

فهرست

۷	درباره نویسنده
۹	پیشگفتار
۱۳	فلسفه چیست؟
۲۷	معجزه یونان
۵۷	پیروزی مسیحیت بر فلسفه یونان
۸۵	انسان گرایی: پیدایش فلسفه امروزی
۱۲۳	پساامروزی‌نگی: قضیه نیچه
۱۶۷	پس از ساخت شکنی: فلسفه معاصر
۲۱۷	نتیجه آنکه
۲۲۱	کتابنامه

درباره نویسنده

استاد لوک فریو (Luc Ferry)، در دانشگاه دنیس دیدرو (مجموعه دانشگاه‌های پاریس، سوربن) به تدریس فلسفه مشغول دارد. او جوایز بسیاری را نصیب خود ساخته است. از جمله جایزه مدیریتی، ایندیوانزک، سو و جایزه اوزوردویی؛ علاوه بر آن به دریافت نشان لژیون دُئر و نیز نشان لژیون ادبیات و علوم مفتخر گردیده است. لوک فریو از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ وزیر آموزش و پرورش فرانسه بود.

پیشگفتار

یک شب تعطیل سمینار تمام که صحبت می کردیم، برخی دوستان از من خواستند که فی البداهه یک دوره فلسفه به شما بگویم که در عین حال بزرگسالان و خردسالان را به کار آید. تصمیم گرفتم که این کار را بپذیرم و از آن خوشحال شدم. این کار مرا واداشت که به نکات اساسی پردازم و اصطلاحات پیچیده، اقوال عالمانه و اشاره به نظریه های مبهم خودداری نمایم. همان طور که بدون دسترسی به کتابخانه، به نوشتن تاریخ اندیشه ها مشغول بودم، به ذهنم آمد که هیچ کتابی مشابه کتاب حاضر به چاپ نرسیده است. البته کتابهای فراوانی در زمینه تاریخ فلسفه هست که برخی از آنها عالی است؛ اما حتی بهترین آنها برای کسی که دانشگاه را پشت سر گذاشته و مسلماً برای آنان که هنوز به دانشگاه راه نیافته اند، کمی خشک و کسل کننده است و بقیه ما نیز به خصوص علاقه ای به آن نداریم.

این کتاب ثمره مستقیم آن غروبهای است که با دوستان گذشت؛ بنابراین کوشیده ام سبک ارتجالی اولیه کتاب را حفظ کنم. هدف کتاب، در عین حال متواضعانه و بلندپروازانه است: متواضعانه بدان دلیل که خوانندگان غیردانشگاهی را مخاطب قرار داده است؛ بلندپروازانه بدان علت که خود را از حق ساده سازی مطالب، هرگاه این کار مستلزم تحریف افکار فلسفی واقع در کُنه آن بوده، محروم ساخته ام. من بیش از آن برای شاهکارهای فلسفه احترام قائلم که ادای آنها را درآورم. لازم است وضوح

دغدغه اولیه اثری باشد که فرد مبتدی را مخاطب قرار می‌دهد، اما این هدف نباید با لطمه به صحت موضوع حاصل شود؛ در غیر این صورت، ارزشی ندارد.

با این فکر که در ذهن داشتیم، کوشیدیم به خود «حق عبوری» بدهم که هدف آن، در حد امکان صریح بود بدون آن‌که بی‌اعتنا از کنار غنا و عمق افکار فلسفی بگذرم. هدف من تنها آن نبود که ذوق و درخششی سطحی ایجاد کنم یا مطالعه‌ای متأثر از روندهای عامیانه انجام دهم؛ بر عکس، می‌خواهم این افکار را کاملاً عریان کنم تا دوستان از رفیع‌نمایم: اول نیاز بزرگسالی که می‌خواهد بداند موضوع اصلی فلسفه چیست، اما لزوماً قصد ندارد از آن فراتر رود؛ و سپس نیاز شخص جوانی که امیدوار است در نهایت تدریس خود را ادامه دهد، اما تا این زمان هنوز لزوماً پایه و مایه آن را ندارد که بتواند آثار این نویسندگان چالش طلب را بخواند.

کوشیده‌ام شرایط را چیزهایی را ارائه کنم که آنها را در تاریخ اندیشه به‌راستی ضروری می‌دانم: همه آن چیزهایی که دوست دارم به خانواده و به آنان که دوست خود می‌شمارم، منتقل سازم.

اما چرا این تلاش را بر خود می‌سازم؟ اول، بدان دلیل که حتی والاترین نماینده‌ها، اگر انسان همراهی نداشته باشند آن را با او در میان بگذارد، ملال‌آور می‌گردد. من بسیار آگاهم که فلسفه را دیگر آن چیز نیستی دانند که معمولاً «بزرگترین شناخت» تلقی می‌شود. و فرض آن است شخص تحصیل کرده تاریخ ملت خود و چند مرجع معمول و متداول ادبی و هنری و حتی چیزهای پررنگ‌تری از زیست‌شناسی یا فیزیک را بدانند، اما بعید می‌دانم کوچکترین اطلاعاتی را داشته‌باشند، اسپینوزا یا کانت داشته باشد. من به این باور رسیده‌ام که همه باید کمی فلسفه بدانند. حتی اگر تنها به دو دلیل ساده زیر باشد:

اول، بدون آن نمی‌توانیم از دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، رمزگشایی نماییم. فلسفه بهترین آموزش برای زندگی است، حتی از تاریخ و علوم هم بهتر است. چرا؟ تنها بدان دلیل که عملاً همه اندیشه‌ها، باورها و ارزشهای ما وجود دارند و - چه از آن آگاه باشیم و چه نباشیم - در چارچوب الگوهای نظری دنیا که در طول تاریخ عقلی ایجاد شده، دارای معنی‌اند. باید این الگوها را دریابیم تا گستره، منطق و پیامدهای آنها را درک نماییم.

بسیاری از افراد بخش عمده‌ای از زندگی‌شان را در انتظار ادبار می‌گذرانند و خود را برای مصیبت از دست دادن کار، تصادف، بیماری، مرگ عزیزان و مانند آن آماده می‌سازند. به نظر می‌رسد دیگران، برخلاف آنها در حالت علی‌السویه کامل در قبال این گونه ترسها زندگی می‌کنند و آنها را مَرَضی و فاقد جایی در زندگی روزمره می‌شمرند. آیا این هر دو گونه شخصیتی می‌دانند که دیدگاهشان پیشتر مورد تفکر عمیق فی‌فیل فیلسوفان یونان باستان قرار گرفته است؟

حسب خویگنی بربری‌خوه و نه شرفی، زیبایی‌شناختی رمانتیک و نه کلاسیک، و دیدگاه دلیسنگی یا وارستگی به چیزها و به موجودات در برابر مرگ؛ پذیرش دیدگاه سبیل اقتدارخواهانه یا لیبرال؛ ترجیح حیوانات و طبیعت بر انسان و آوای وحش بر سینه انسان؛ همه این انتخابها و بسیاری از انتخابهای دیگر از مدت‌ها پیش از آنکه به عتیدای مومی تبدیل شوند، همانند اشیای بازار در دسترس شهروندان قرار داشتند. این مسلمات، برخوردها و موضوعات همچنان تعیین‌کننده اندیشه و کلام ماست، چه از آنها بپاشیم و چه نباشیم. برای مطالعه آنها به شکل نابشان و دریافت عمیق‌ترین منشاسان باید خود را نه تنها با ابزارهای هوشمندتر که نیز مستقل‌تر تجهیز نماییم. چرا انسان خود را از این گانه ابزارها محروم می‌سازد؟

دوم، پس از دریافت خود و دیگران از راه آشنایی با متون اصلی فلسفه، باید درک کنیم که این متون می‌توانند به ما کمک کنند تا به آزادی و آزادتر زندگی کنیم. همان‌طور که چند اندیشمند معاصر خاطرنشان می‌سازند، انسان نه برای سرگرمی خود و نه حتی برای دریافت بهتر دنیا و جایگاه خود در آن، بلکه برای عملاً برای «نجات خود» فلسفه‌پردازی می‌کند. فلسفه لازمه‌های غلبه بر ترسهای باطنی را در زندگی فلیج می‌سازند، و این باور خطاست که مثلاً روان‌شناسی امروزی می‌تواند جانشین آن گردد.

فراگیری شیوه زندگی؛ فراگیری غلبه بر ترس از چهره‌های متفاوت مرگ؛ یا ساده‌تر، فراگیری غلبه بر ابتدال زندگی روزمره یا خستگی از احساس از کف رفتن عمر؛ اینها پیشتر انگیزه‌های اصلی مدارس یونان باستان بودند. شایسته است پیامشان را بشنویم؛ زیرا برخلاف چیزی که در تاریخ و در علوم انسانی رخ می‌دهد، فیلسوفان زمان گذشته به زمان حال یا ما سخن می‌گویند. و این ارزش تفکر دارد.

وقتی معلوم می‌شود که یک نظریه علمی نادرست است و نظریه‌ای درست‌تر آن را رد می‌کند، آن نظریه مطرود می‌گردد و دیگر جاذبه‌ای ندارد، مگر برای مشتی دانشمند و تاریخ‌نویس؛ اما پرسشهای بزرگ فلسفه در این باره که چگونه باید زیست، همچنان تا امروز موضوعیت خود را حفظ کرده است. از این نظر می‌توانیم تاریخ فلسفه را با تاریخ هنر و نه تاریخ علوم مقایسه کنیم: همان‌طور که نقاشیهای بارک^۱ یا کاندینسکی^۲ از نقاشیهای ورمر^۳ یا مانه^۴ «زیبایی کمتری» ندارند، تفکرات کانت یا نیچه درباره معنی یا بی‌معنایی زندگی نیز از تفکرات اپیکتوس یا اپیکور یا بودا پست‌تر برتر نیستند. همه آنها گزاره‌هایی درباره زندگی و دیدگاههایی در برابر هستی به دست می‌دهند که همچنان در طول سده‌ها ما را مخاطب خود قرار داده است. اگرچه ممکن است سربیه‌های علمی بپلیموس یا دکارت «عجیب و غریب» شمرده شده و دیگر جاذبه‌ای نداشته باشند، اما هنوز می‌توانیم از خرد جمعی فیلسوفان باستان استفاده کنیم همان‌طور که می‌توانیم معبد یونان یا طومارهای چینی را ببینیم، اگرچه کتب در دسترس و یکم قرار داریم.

در پی طلایه‌داری قدیم ترنیتو^۵ تاکنون در زمینه فلسفه نوشته شده، یعنی «گفتارها» به قلم اپیکتوس مربوط به سده دوم ام، کتاب کوچک من خوانندگان را^۶ مستقیماً مخاطب قرار می‌دهد. امیدوارم خواننده بتواند شیوه کار مرا نشانه مشارکت و نه معلومات بداند.

1. Barque

2. Kandinsky

3. Vermeer

4. Manet